کوتاه از جامعه

آزمون «بسندگی زبان فارسی»

رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش گفت: اگر دانش‌آموزان دوزبانه شناسایی نشوند و آموزش نبینند بعد از چند سال مدرسه را رها می‌کنند.

وی افزود: تعدادی از بچه‌هایی که در مناطق دوزبانه کشور زندگی می‌کنند به دلیل ناآشنایی با زبان فارسی برچسب دیرآموز می‌خورند که پس از مدتی مشخص می‌شود مشکل یادگیری ندارند بلکه فقط به خاطر ناآشنایی با زبان فارسی است که در یادگیری با چالش روبه‌رو هستند.

وی با بیان این‌که یادگیری زبان فارسی درحد برقراری ارتباط برای دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی ضروری است، گفت: در طرح سنجش سلامت کودکان در بدو ورود به دبستان «بسندگی زبان فارسی» را اضافه کردیم تا دانش‌آموزان با زبان فارسی ارتباط برقرار کنند.

۱۱۰۰ پایگاه برای جمع آوری زکات فطره

داریوش بیات‌نژاد، مدیرکل بهزیستی استان تهران گفت: ۱۱۰۰ پایگاه مراکز دولتی و غیردولتی جمع‌آوری زکات فطره بهزیستی در سراسر استان تهران آماده دریافت فطریه و وجوهات شرعی در روز عید فطر هستند.

وی افزود: همچون سنوات گذشته و با هماهنگی دبیرخانه شورای زکات استان تهران، مجوزهای لازم دریافت شده و ۴۰۰ پایگاه جمع‌آوری از مراکز دولتی و ۷۰۰ پایگاه مراکز و موسسات غیردولتی مجاز در روز عید سعید فطر اقدام به دریافت وجوهات شرعی و زکات فطره در روز عید سعید فطر خواهند کرد که این پایگاه‌ها عموما در میادین اصلی شهر و اماکن پرتردد مستقر خواهند شد. / جام‌جم

ثبت‌نام در سامانه سجاد لازمه پرداخت خسارت به سیل‌زدگان

اسماعیل نجار، جانشین قرارگاه بازسازی و نوسازی مناطق سیل‌زده گفت: برای پرداخت خسارت به سیل‌زدگان وزارت راه و شهرسازی باید ظرف یك هفته اطلاعات لازم در خصوص میزان خسارات وارده ناشی از سیل را در سامانه جامع امداد و نجات دولت (سجاد) ثبت کند.

وی افزود: مقرر شد ظرف مدت ده روز کاری اقدامات لازم با هماهنگی وزارت نیرو و سازمان برنامه و بودجه درخصوص بررسی و اعلام منابع قانونی انجام شود.

نجار با تاکید بر این‌که مبنای پرداخت خسارت‌ها، نقشه‌های تهیه شده توسط پژوهشگاه فضایی کشور است افزود: از دیگر مصوبات این نشست ارائه چارچوب داده‌های مورد نیاز توسط سازمان برنامه و بودجه به وزارت کشور بود. / جام‌جم

کمبود پرستار و بیکاری ۲۰ هزار پرستار

محمد شریفی‌مقدم، دبیرکل خانه پرستار گفت: حدود۲۰ هزار پرستار بیکار در کشور داریم در حالی که استاندارد نسبت پرستار به جمعیت در کشورمان در حد کشورهای عقب‌افتاده است.

وی با تاکید بر این‌که کمبود نیروی پرستاری یکی از مشکلات اصلی نه‌تنها پرستاران بلکه مردم است، افزود: پرستاران باید حداقل شاخص‌های استاندارد را داشته باشند که یکی از آنها نسبت تعداد پرستار به جمعیت و تخت بیمارستانی است.

در کشورهای اروپایی به ازای هر هزار نفر ده کادر پرستاری وجود دارد که متوسط جهانی این نرخ به ازای هر هزار نفر شش پرستار و حداقل آن سه پرستار است. / فارس

دریافت وجه از دانش‌آموزان ممنوع

زهرا مظفر، سرپرست اداره‌کل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایت آموزش و پرورش گفت: دریافت هرگونه وجه در زمان ثبت‌نام از دانش‌آموزان در مدارس ممنوع است، اما این غیر از مدارس خاص مانند مدارس شاهد، نمونه دولتی، هیأت‌امنایی و استعدادهای درخشان است که شهریه آنها نیز باید طبق قوانین و ضوابط خودشان در بخشنامه ثبت‌نام اخذ شود. /فارس

ضرر ۳۰ هزار میلیاردی دخانیات به کشور

بهزاد ولی‌زاده، رئیس دبیرخانه ستاد کشوری کنترل دخانیات کشور با بیان این که سالانه حدود صد هزار میلیارد تومان صرف تهیه دخانیات در کشور می‌شود، گفت: مبلغی حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان نیز ضرر اقتصادی است.

وی افزود: سالانه حدود ۵۵ هزار مرگ ناشی از مصرف دخانیات اتفاق می‌افتد که این مرگ‌ها حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان بار اقتصادی برای کشور به دنبال دارد. /ایسنا

عکس: نازنین کاظمی‌نوا جام‌جم

سد، بلای جان جنگل

روند نابودی جنگل‌ها به دلیل احداث سدهای کوچك سرعت گرفته است

میثم اسماعیلی
جامعه

«جنگل‌های ایران در حال نابودی‌اند.» این گزاره آن‌قدر تکراری و بدیهی به نظر می‌رسد که دیگر تاثیرگذاری‌اش را از دست داده است. از مافیای قاچاق چوب بگیرید تا بی‌نهایت انباشت زباله و حالا هم که موج سدسازی. نیازی به آمار و ارقام نیست، اما اگر بشود کمی افکار عمومی را در این وادی با عددها قلقلك بدهیم باید عنوان کنیم در نیم‌قرن گذشته میزان جنگل‌های ایران یك‌سوم کاهش داشته است. در برآورد سال ۱۳۲۹ سطح جنگل‌های ایران ۱۸/۷ میلیون هکتار عنوان شده در حالی که حالا این رقم به ۱۲/۴ میلیون هکتار رسیده است و سطح جنگل‌های شمال کشور هم از حدود ۳/۴ میلیون هکتار به ۱/۸ میلیون هکتار کاهش یافته است.

این آمار آن‌قدر تکان‌دهنده است که هادی کیادلیری، رئیس انجمن جنگلبانی ایران عنوان کند تا ۳۰ سال آینده در ایران جنگلی نخواهد ماند. اعتراض‌ها به این موضوع محدود به گروه‌های اندك فعال در شبکه‌های مجازی مانده است. دیگر آگاهی‌سازی در این مورد هم چندان تاثیری ندارد چراکه انگار وضعیت معیشتی مردم به گونه‌ای است که اولویت دغدغه‌ها را تغییر داده است. انگار نگرانی در باب نابودی جنگل‌ها از میانه فهرست اولویت مردم به انتهای این فهرست سقوط کرده و چه زمانی بهتر از این‌که بشود درخت‌ها را یك به یك انداخت تا شاید حداقل از این وادی رزومه‌ای برای مسؤول و سیاستمداری پر شود؛ درختانی که به گفته مهدی بهروش، استاد دانشگاه در جهان یگانه‌اند و ارزش مادی‌شان هر کدام حتی به ۲۰۰ هزار دلار هم می‌رسد حالا قربانی جریان سدسازی شده‌اند؛ سدهایی که قرار است تنها آب شرب یك‌منطقه را تامین کنند! آن هم به قیمت نابودی بیش از ۲۰۰ هکتار از جنگل‌های ایران به ازای هر سد کوچك.

ماجرا چیست؟

دی‌ماه سال گذشته بود که بالاخره سازمان محیط زیست ایران به‌رغم همه مخالفت‌های کارشناسان این حوزه، موافقت خود را با ساخت سد لاسك در جنگل‌های هیرکانی گیلان اعلام کرد. لاسك همان سدی است که با فشار برخی نمایندگان بر سازمان‌های محیط زیست و جنگل‌ها و مراتع چند بار تا پای کلنگ‌زنی هم پیش رفت اما به دلیل نداشتن مطالعات ارزیابی زیست‌محیطی همچنان تکلیفش روشن نبود. مطالعات ارزیابی سازمان محیط زیست همان مانعی بود که دوستداران محیط زیست به آن امید داشتند، همان ابزار قانونی که بالاخره شاید بتواند ضمانت اجرایی پیدا کند و مانع محکمی باشد بر سر تخریب جنگل‌ها؛ اما این‌گونه نشد. سازمان محیط‌زیست به دلایلی موافقت خود را در سال گذشته با احداث سد لاسك اعلام کرد تا این تصمیم آب سردی شود روی دوستداران محیط‌زیست، البته که در این میان ۴۶ میلیارد تومان هم به عنوان جریمه به محیط زیست پرداخت شد تا وجهه قانونی ماجرا هرچند به شکلی سمبلیك رعایت شده باشد. ماجرا به همین‌جا ختم نشد و چند روز پیش کامران پورمقدم، رئیس شورای‌عالی جنگل در گفت‌وگویی با ایسنا اعلام کرد: «درخواست برای ساخت سدهای کوچك در منطقه هیرکانی زیاد است و سازمان حفاظت محیط زیست به دلیل ابعاد کوچك این سدها اعلام کرده که نیاز به ارزیابی زیست‌محیطی ندارد!»

اراده باشد، ارزیابی نمی‌خواهد!

البته که گفته‌های رئیس شورای‌عالی جنگل خیلی زود با واکنش مدیرکل دفتر ارزیابی زیست‌محیطی سازمان حفاظت محیط زیست روبه‌رو شد. حمید جلالوندی اعلام کرد سدها از کوچك تا بزرگ باید مجوز محیط زیست را بگیرند. هر چند در واکنش و تکذیب مدیرکل دفتر ارزیابی محیط زیست نکته‌هایی هم وجود داشت و آنطور که او اعلام کرده طبق دستورالعمل شورای‌عالی محیط زیست مجوز سدهای کوچك (با حجم مخزن کمتر از ۴۰۰ هکتار و با ارتفاع کمتر از ۱۵ متر) توسط ادارات محیط زیست استان‌ها صادر می‌شود و اگر رقم مربوط به مخزن و ارتفاع سد بیش از این اعداد باشد بررسی گزارش ارزیابی و صدور مجوز توسط ستاد مرکزی سازمان محیط‌زیست صورت می‌گیرد.

افزایش درخواست برای ساخت سدهای کوچك از یکسو و واگذاری مجوز (نه ارزیابی مطالعاتی) آن به اداره‌های محیط زیست از سوی دیگر شاید به این مفهوم باشد که دیگر خیلی هم نباید نگران وجهه سمبلیك قانونی این ماجرا بود. آنطور که هادی کیادلیری رئیس انجمن جنگلبانی ایران به جام‌جم می‌گوید: «در مورد این ارزیابی‌ها نکته قابل توجه این است که اگر اراده‌ای بر انجام و اجرای پروژه‌هایی مثل احداث سد حس شود مطمئن باشید این کار صورت می‌گیرد، ارزیابی محیط زیستی در این موارد صرفا یك حالت سمبلیك دارد.»

وقتی حرف‌های کیادلیری از سطح یك دلخوری و گلایه دوستانه به سطح یك هشدار مهم می‌رسد که بدانیم پیش از اینها هم بسیاری از موارد این‌چنینی صورت گرفته و قانون توان برخورد با آن را نداشته است. به عنوان مثل سد شفارود که احداث شد سازمان محیط‌زیست کاملا مخالف بود اما تاثیری نداشت و نظرات سازمان محیط زیست هیچ تاثیری در روند ساخت چنین طرحی نداشت. یا موضوع انتقال آب خزر به سمنان را در نظر بگیرید. سازمان محیط زیست با این موضوع هم مخالف بوده، اما این مخالفت چه تاثیری داشته است؟ نهایت امر این بود که با یك چرخش جالب توجه سازمان محیط زیست هم موافق شد! البته که پول هم نقش مهمی در این میان دارد، وقتی شما می‌توانید با پرداخت جریمه همه آن موارد محیط زیستی را نادیده بگیرید دیگر نیازی به ارزیابی سازمان محیط زیست ندارید!

یك سد چقدر جنگل می‌خورد؟

احداث سد بسته به اندازه‌اش می‌تواند چند ده هکتار از جنگل‌های ایران را نابود کند. مکان‌یابی اولیه و ابعاد فنی همین سد لاسك ابتدا به گونه‌ای بود که حدود ۴۰۰ هکتار تخریب جنگل را در پی داشت. البته آن‌طور که رئیس شورای‌عالی جنگل‌ها ادعا می‌کند این رقم با کارشناسی‌هایی به ۹۴ هکتار رسیده است. هادی کیادلیری، رئیس انجمن جنگلبانی ایران بحث بر سر اعداد و ارقام را کنار می‌گذارد و به ذهنیت غیرعلمی بسیاری از مسؤولان اشاره می‌کند و او می‌گوید: بسیاری از این آقایان گمان می‌کنند با یك هکتار جنگلکاری می‌توانند تخریب یك هکتار جنگل را جبران کنند و حداقل ارزش چوب آن را به دست آورند! در حالی که با تخریب یك هکتار جنگل تنها در همان سال اول برای جبران فقط چوب آن باید ۱۵۰ تا ۲۰۰ هکتار جنگلکاری کرد. پاسخ مهدی بهروش، فعال محیط زیست در این مورد اما شفاف‌تر است. مثال او هم برای محاسبه مقدار نابودی سطح جنگل به واسطه احداث سد همان سد لاسك است. او به جام‌جم می‌گوید: سد لاسك که در حال ساخت است حدود صد هکتار از جنگل‌ها را زیر آب می‌برد و حدود ۵۰ تا ۶۰ هکتار از جنگل را به واسطه تامین منابع نابود می‌کند و حدود ۶۰ هکتار هم به واسطه جاده‌کشی از بین می‌رود.

یعنی بیش از ۲۰۰ هکتار از جنگل‌های هیرکانی به‌واسطه همین ساخت سد کوچك از بین می‌رود. اگر ارزیابی محیط زیست برای احداث سد مثبت اعلام شود در آن زمان طبق بند «ب» ماده ۱۲ قانون بهره‌وری کشاورزی سازمان جنگل‌ها می‌تواند در قبال قطع درختان و تخریب جنگل بر اثر اجرای پروژه خسارت طلب کند. ولی سازمان جنگل‌ها می‌تواند اصلا موافقت نکند برای قطع این درخت‌ها و حتی اعتراض کند به جریان ارزیابی و درخواست بازنگری در فرآیند ارزیابی را داشته باشد. به عنوان مثال در مورد سد لاسك چون گونه درخت شمشاد ایرانی در حال تخریب است -که یك نسخه خطی و یگانه است و در هیچ کجای دیگر جهان به‌جز ایران وجود ندارد -سازمان جنگل‌ها می‌تواند به‌واسطه همین داده‌ها یك بازنگری در گزارش اولیه ارزیابی این سد داشته باشد.

هر چند کلا گزارش ارزیابی در دوره خانم ابتکار در محیط زیست کلا رد شد و با آمدن آقای کلانتری دوباره این گزارش ارزیابی به‌راه افتاد! خیلی بدیهی است که بدانیم همه مزایای احتمالی احداث سد در چنین مناطقی در برابر معایبش ناچیز است. هر درخت ۵۰ ساله به واسطه ۳۳ نوع خدمتی که ارائه می‌دهد حدود ۲۰۰ هزار دلار ارزشگذاری می‌شود. حالا شما تصور کنید ما چه ثروت بی‌نظیری را به باد می‌دهیم. درست مثل این است که شما الماس بدهید و شکلات بگیرید.

جنگل به چه درد می‌خورد؟

هر هکتار جنگل قابلیت ذخیره‌سازی ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر مکعب آب را دارد و وقتی بدانید زمان نفوذ آب در جنگل هفت دقیقه است، یعنی امکان جاری شدن سیل در این مناطق بسیار زیاد است. این زمان را می‌توان با چهار ساعت زمان نفوذ آب در مناطق غیرجنگلی مقایسه کرد. غیر از اینها هر هکتار جنگل سالانه ۶۸تن رسوب گوگرد و غبار را جذب می‌کند و به‌جای آن ۲/۵ تن اکسیژن تولید می‌کند. اینها تنها بخشی از فواید پر تعداد جنگل و درختان است که حالا با روندی که ما در پیش گرفته‌ایم معلوم نیست تا چند سال دیگر خبری از آنها در کشورمان باشد.

همه اینها هم در شرایطی اتفاق می‌افتد که هم مقام معظم رهبری و هم قانون بر حفظ این سرمایه‌های ملی تاکید دارند، اما در عمل کمترین تلاشی از جانب هیچ‌کس به خصوص خود مردم برای آن انجام نمی‌پذیرد. خیلی‌ها هم این خطر را باور ندارند که اگر با همین روند پیش برویم، احتمالا تا ۳۰ سال آینده هیچ اثری از جنگل‌های کشور نخواهد ماند و فقط باید در عکس‌های قدیمی به خاطره‌بازی با آنها بپردازیم. نابودی بیش از ۲۰۰ هکتار جنگل برای هر سد کوچك را بگذارید در کنار افزایش درخواست برای احداث سدهای کوچك و البته این دو گزاره را بگذارید کنار این نکته که مجوز این احداث‌ها نه به وسیله سازمان محیط زیست که توسط اداره محیط زیست استان‌ها صادر می‌شود.

نتیجه را هرچه بود، بگذارید کنار آمارهای اولیه همین گزارش. این‌که طی ۵۰سال یك‌سوم جنگل‌های ایران نابود شده است و بدتر از آن این‌که با همین روند ۳۰ سال دیگر اثری از جنگل در ایران نخواهد بود.

کیادلیری: بسیاری از این آقایان گمان می‌کنند با یك هکتار جنگل‌کاری می‌توانند تخریب یك هکتار جنگل را جبران کنند و حداقل ارزش چوب آن را به دست آورند! در حالی که با تخریب یك هکتار جنگل تنها در همان سال اول برای جبران فقط چوب آن باید ۱۵۰ تا ۲۰۰ هکتار جنگل‌کاری کرد

یادداشت

به خاطر یك مشت شکلات

محمد درویش
فعال محیط زیست

صادر نکردن مجوز برای احداث سد، موضوع تازه‌ای نیست. بی‌شمار نمونه از سدهایی وجود دارد که همچنان بسیاری بر غیرکارشناسی بودن آن نظر دارند یا حتی فراتر از آن معتقدند همه آنها بدون کسب مجوز یا همان مطالعات ارزیابی ساخته شده‌اند. اما باید بدانیم کلا ساخت هر سازه‌ای که رژیم هیدرولوژیك رودخانه را تغییر می‌دهد، نیاز به مجوز دارد و حتما باید این مجوز در قالب مطالعات ارزیابی شده اخذ شود. خود جهاد کشاورزی هم در قالب عملیات آبخیزداری مجوز گرفته است که سدهایی با ارتفاع کم بسازد که این مورد چالش‌هایی را به همراه داشته به این مفهوم که گمان می‌کنند این سدها دیگر نیاز به گزارش ارزیابی سازمان محیط زیست ندارد، اما طبق قانون از آنجا که این سدها رژیم هیدرولوژیك را تغییر می‌دهد آنها هم حتما باید ارزیابی محیط زیست را داشته باشد وگرنه سازمان محیط زیست از نظر قانونی به راحتی می‌تواند ورود کند و جلوی پروژه را بگیرد.

میزان تخریب جنگل‌ها هنگام سدسازی بستگی به ارتفاع سد دارد، هر قدر شیب آن منطقه که سد در آن احداث می‌شود، بیشتر و دره عمیق‌تر باشد گسترش سطح دریاچه کمتر می‌شود و میزان تخریب کاهش پیدا می‌کند و هر قدر این سدها در منطقه کم‌شیب‌تری ساخته بشوند (مثل سد کرخه) وسعت تخریبشان بسیار افزایش پیدا می‌کند، به طور متوسط سدهایی که در کشورما ساخته می‌شوند بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هکتار از جنگل‌های هیرکانی را زیر آب می‌برند و همچنین چند ده هکتار از جنگل‌ها به واسطه جاده‌سازی برای تامین مصالح و غیره تخریب می‌شوند.

سد لاسك که سد کوچك و در حال ساخت است حدود صد هکتار از جنگل‌ها را زیر آب می‌برد و حدود ۵۰ تا ۶۰ هکتار از جنگل را به واسطه تامین منابع نابود می‌کند و حدود ۶۰ هکتار هم به‌واسطه جاده‌کشی از بین می‌رود.

یعنی بیش از ۲۰۰ هکتار از جنگل‌های هیرکانی به‌واسطه همین ساخت سد کوچك از بین می‌رود. اگر ارزیابی محیط زیست برای احداث سد مثبت اعلام شود در آن زمان طبق بند «ب» ماده ۱۲ قانون بهره‌وری کشاورزی سازمان جنگل‌ها می‌تواند در قبال قطع درختان و تخریب جنگل بر اثر اجرای پروژه خسارت طلب کند. ولی سازمان جنگل‌ها می‌تواند اصلا موافقت نکند برای قطع این درخت‌ها و حتی اعتراض کند به جریان ارزیابی و درخواست بازنگری در فرآیند ارزیابی را داشته باشد. به عنوان مثال در مورد سد لاسك چون گونه درخت شمشاد ایرانی در حال تخریب است -که یك نسخه خطی و یگانه است و در هیچ کجای دیگر جهان به‌جز ایران وجود ندارد -سازمان جنگل‌ها می‌تواند به‌واسطه همین داده‌ها یك بازنگری در گزارش اولیه ارزیابی این سد داشته باشد.

هر چند کلا گزارش ارزیابی در دوره خانم ابتکار در محیط زیست کلا رد شد و با آمدن آقای کلانتری دوباره این گزارش ارزیابی به‌راه افتاد! خیلی بدیهی است که بدانیم همه مزایای احتمالی احداث سد در چنین مناطقی در برابر معایبش ناچیز است. هر درخت ۵۰ ساله به واسطه ۳۳ نوع خدمتی که ارائه می‌دهد حدود ۲۰۰ هزار دلار ارزشگذاری می‌شود. حالا شما تصور کنید ما چه ثروت بی‌نظیری را به باد می‌دهیم. درست مثل این است که شما الماس بدهید و شکلات بگیرید.

مرجان‌ها تفریحی می‌میرند

هر ثانیه ۷۰۰ لیتر فاضلاب به خلیج‌فارس می‌ریزد

نماینده مردم بندرعباس در مجلس از تداوم ورود فاضلاب به خلیج‌فارس انتقاد کرد و قاچاق، برداشت بی‌رویه و غواصی تفریحی را از عوامل تهدیدکننده مرجان‌های خلیج‌فارس دانست.

به گزارش خانه ملت، احمد مرادی با تاکید بر این‌که وضعیت محیط‌زیست خلیج‌فارس مطلوب نیست از تداوم ورود فاضلاب به آن انتقاد کرد و گفت: نشستی را با مدیرعامل فاضلاب کشور داشتیم و نگرانی مردم هرمزگان را منتقل کردیم.

وی با تاکید بر این‌که به‌شدت از بی‌توجهی دولت نسبت به ورود فاضلاب به خلیج‌فارس انتقاد داریم، افزود: متاسفانه روزانه ۷۰۰ لیتر در ثانیه فاضلاب‌های خانگی و صنعتی وارد خلیج‌فارس می‌شود و هرچند بارها مسؤولان ذی‌ربط مطرح کردند که در حال کنترل ورود فاضلاب و انتقال آن به صنایع هستیم، اما در حد شعار باقی ماند.

وی واگذاری سواحل به اشخاص توسط منطقه آزاد را اقدامی بسیار خطرناك و غیراصولی دانست و گفت: از سازمان بازرسی خواستار ورود جدی به این موضوع و جلوگیری از این اقدام شدیم.

این نماینده مردم در مجلس دهم، با بیان این‌که برداشت‌های بی‌رویه ماهی توسط کشتی‌های صنعتی به‌ویژه چینی، سنگاپوری و تایلندی نسل آبزیان را در معرض انتقراض قرار می‌دهد، عنوان کرد: برداشت بی‌رویه، قاچاق، غواصی تفریحی، ورود فاضلاب و آلودگی نفتی، نسل مرجان‌ها را تهدید می‌کند. ما این موضوع را به سازمان محیط‌زیست اطلاع‌رسانی کردیم و هر چند محیط‌زیست تاکید دارد که تا حدودی کنترل شده، اما چنین ادعایی صحت ندارد.

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، با یادآوری تردد روزانه ۶۰ تا ۷۰ کشتی تجاری بزرگ نفتی در خلیج‌فارس، گفت: با توجه به آلودگی نفتی از سوی این کشتی‌ها از سازمان بنادر و دریانوردی تقاضا داریم براساس تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی اعتراض ما را به کشورها اعلام کند.

وی از راه‌اندازی مزارع پرورش میگو در حریم روستاهای حوزه انتخابیه انتقاد کرد و ادامه داد: از دولت انتظار می‌رود به این موضوع رسیدگی کند. مرادی با انتقاد از ایجاد کارخانه پودر ماهی در شهر سوزا، گفت: بوی تعفن آن موجب آزار و اذیت مردم شده و چند سال است که تذکر داده شده، اما متاسفانه گوش شنوایی نیست.